

پشت جلد

همه اشتباه می‌کنند!



کریم ارغنده‌پور

• چند سال پیش کتابی می‌خواندم در اهمیت عذرخواهی به قلم ملیسا نوبلز از انتشارات دانشگاه کمبریج. نویسنده، مهم‌ترین عذرخواهی‌های جهانی را برشمرده و بررسی کرده بود. نتیجه‌اش این بود که پوزش‌طلبی‌های صادقانه، محبوبیت دولت‌ها را افزایش و متعاقبا شکاف دولت- ملت را کاهش می‌دهد. این نکته بسیار حیاتی است. اما در نظام‌های سیاسی عملکردها معمولا معکوس آن است؛ یعنی از زاویه حاکمان، عذرخواهی نشانه ضعف و سلب اعتماد تلقی می‌شود و بنابراین از آن تا حد افراط پرهیز می‌شود. یکی از شواهد تحقیق بالا این بود که اساسا تواتر عذرخواهی‌ها در عرصه‌های داخلی اندک و در روابط بین‌المللی نادر است. در روابط بین کشورها عذرخواهی غالبا پیامدهای حقوقی دارد، به‌همین‌خاطر مثلا اوباما در آخرین سفرش در زمان ریاست‌جمهوری وقتی به هیروشیما رفت، با وجود انتظار جهانی - و شاید حتی میل شخصی- به خاطر بمباران اتمی آن شهر توسط کشورش و کشتار فجیع و گسترده انسان‌ها عذر نخواست. بر اساس تحقیق خانم نوبلز، پیامدهای مثبت عذرخواهی اوباما بسیار بیشتر از عوارض حقوقی ناشی از آن اظهار ندامت بود. البته که چنین بود، نه‌تنها در آمریکا، بلکه تأثیر مثبت جهانی هم داشت. در این رابطه سخن فراوان است، اما روی این نوشته بیشتر در عرصه‌های داخلی است. در هفته گذشته آقای محسن قرائتی از رفتارش در برابر یکی از شرکت‌کنندگان در محفل سخنش در تلویزیون عذر خواست. این حرکت با استقبال عمومی و حتی پاره‌ای از نخبگان مواجه شد. این دقیقا نکته‌ای است که من میل دارم در این یادداشت آن را پررنگ کنم. در کشور ما مثل هرجای دیگری اشتباهاتی رخ می‌دهد. واکنش در برابر این اشتباهات معمولا با بی‌تفاوتی است یا ارائه توجیهات ناشنیدنی. صدا البته هر دو اینها مخاطبان را می‌آزارد، درحالی‌که اگر دولتمردان با مردم صمیمی‌تر باشند و اشتباهاتشان را ببیزیند، کار لازم را انجام داده‌اند و این برای جامعه هم خوشایندتر است. چنین باد!

شرق روزنامه

www.sharghdaily.ir

شنبه • ۲۹ مهر ۱۳۹۶ • ۱ صفر ۱۴۳۹ • ۲۱ اکتبر ۲۰۱۷ • سال پانزدهم • شماره ۲۹۹۱ • ۲۰ صفحه
اذان ظهر تهران ۱۱:۴۹ • اذان مغرب ۱۷:۴۰ • اذان صبح فردا ۴:۵۲ • طلوع آفتاب ۶:۱۶

روزنامه‌فرو

fardashargh@gmail.com

کارتون خواب

سپهیل محمدی

در حاشیه میزگرد نمایندگان سه قوه در تلویزیون با موضوع مضرات قلیان



حرف درشت

روز جهانی احمد رضا احمدی

مردی لبالب از کلمه و شعر



پوریا عالمی

امروز و هرروز، روز جهانی احمدرضا احمدی است که عمری است جهان ما را زیبا کرده است. اولین‌بار ۱۸ سال پیش در دفتر مجله‌کل‌آقا دیدمش. شلوارش را طوری کشیده بود بالا و بسته بود بالای نافش که فکر کردم لابد ما شلوارامان را خیلی پایین می‌بندیم. من شیفته‌اش بودم. اینکه شعرش دنیای خودش را داشت، همیشه برایم جذاب بود. شبیه کسی نبود. نه کتاب‌هاش و نه وقتی اولین‌بار روی پله‌های دفتر مجله دیدمش. گفتم: سلام آقای احمدی و باسرعت رد شدم و رفتم، چون بلد نبودم کنار آدمی که شبیه شعرهاش بود و شعرهاش شبیه کسی نبود چطور بایستم، چطور حرف بزنم و چطور دنیا را نگاه کنم. شانس ما بچه‌های بی‌سروزیان تحریریه بود که آقای کیومرث صابری‌فومنی آن روز سفره دیزی گسترده بود به افتخار حضور احمدرضا احمدی که ناهار میهمان تحریریه بماند و شانس دوباره من بود که من دیر برسم سر میز ناهار و جز صندلی کنار احمدرضا احمدی جایی خالی نباشد. من کنار شاعر نشستم و با حجب بسیار در حجب عجیب او گم شدم که سرش را می‌برد سمت گوش صابری و چون کودک بازیگوش شوخی‌ای دست‌اولی به زبان می‌آورد که به گوش من می‌رسید و بعد قافاه‌ها می‌خندید و وقتی سر بلند می‌کرد و به جلو نگاه می‌کرد، باز چشم‌هاش همان حیرانی همیشگی را داشت. انگار نه انگار که همین چند لحظه پیش این چشم‌ها بازیگوش و جسور و پرهیجان بوده است. آن روز من از خجالت و شغفی که وجودم را پر کرده بود و کنج‌کاوی اینکه الان احمدی در گوش صابری باز چه خواهد گفت، نتوانستم چیزی بخورم! من شیفته دنیای احمدرضا احمدی بودم و دنیای احمدرضا احمدی مگر چیزی جز کلماتی بود که دنیا را از اول می‌ساخت؟ دنیایی بهتر را که انگار در دسترس ما نبود. داستان‌های کودکانش ناب و بی‌ممتا بودند و هستند. انگار هیچ‌گاه او نیاز نداشته خودش را شبیه کسی کند. حتی کارهاش - شعرها و داستان‌های کودکانش - تلاشی نمی‌کنند که شما را شبیه خودشان درآورند. همه کلمات او، مانند خودش که جمله‌ای است با هزاران کلمه بگر، فقطو فقط می‌خواهند تو شبیه خودت باشی. برای همین جریان شعری که او ساخت، شاعرانی به وجود آورد که به هم شبیه نبودند.

با آن صدای گرم و دهان گرمی که دارد برای قصه تعریف‌کردن تو را وامی‌دارد که بین هر مکثی که در حرف‌زدن می‌کند، کیفور و محظوظ بگویی دمت گرم. دمش هم گرم واقعا که سر ما را یک عمر به عشق و تماشا گرم کرد. بلد است و بلد بوده با دو کلمه کاری کند که تو غم عمیقت را هم دوست داشته باشی و دست از دشمنی با دنیا و خودت و غم‌ها برداری. بلد بوده ترازوی عظیم زندگی را طوری کوتاه برایت تعریف کند که خیال کنی می‌توانی از پس دنیا بریایی. احمدرضا احمدی ۳۰ اردیبهشت ۱۳۱۹ به دنیا آمده و وقتی هرروز شاعر بوده است، پس امروز مثل هرروز می‌تواند روز او باشد؛ روز احمدرضا احمدی.

(توضیح: من دیگر دوست ندارم دست روی دست بگذارم تا دولته‌ها به داد ادبیات برسند. خودمان دست‌به‌کار شویم و روزها را به نام آنان که روزهای ما را می‌سازند بنامیم و ناکفته‌نماند که این ایده زیبا را که روزها را به نام کسانی که دوست داریم بنامیم صابر ابر چندسال پیش و برای اولین‌بار به کار برده است).

پیدا شد که آقا شما آگهی استخدام داده‌ای و تبعیض جنسیتی قائل شده‌ای.

گفتم جناب، این یک آگهی خصوصی روی صفحه فیس‌بوک خودم برای عده محدودی مخاطب است و یک آگهی عمومی نیست که شما مداخله می‌کنید، ولی مأمور مربوطه گفت از شما شکایت کرده‌اند که چرا شما می‌خواهی منشی‌ات خانم باشد؟ مگر آقاها چه عیبی دارند؟ گفتم معمولا منشی‌ها خانم هستند و از این گذشته کارفرما حق انتخاب دارد. ایشان گفت نه، شما تبعیض قائل شده‌اید و باید اصلاح کنید. واقعا خنده‌ام گرفت، درحالی‌که در بسیاری از شهرها کارگران برای دریافت‌نکردن یک‌سال حقوق جمع شده و فریاد می‌زنند، درحالی‌که بی‌کاری برای تمام طبقات با هر تحصیلات و تخصصی در این مملکت وجود دارد، درحالی‌که ایمنی و بهداشت کار در کارگاه‌های بسیاری از نقاط رعایت نمی‌شود و روزی نیست که چند کارگر معدوم یا مصدوم نشوند و درحالی‌که بسیاری از مشکلات اخلاقی، اجتماعی و سیاسی بر اثر بی‌کاری میان جوانان فراهم آمده، آقای کار به‌جای آنکه به کارهای مهم و اساسی و حتی هشداردهنده بپردازد، آمده یقه مرا گرفته

سلام به فردا

یک آگهی استخدام و دردسرهايش

که چرا روی صفحه فیس‌بوک خصوصی خودت منشی خواسته‌ای، آن هم از جنس اثاث و مذكرها را فراموش کرده‌ای! آقایان به مسائل و مشکلات کار در سراسر مملکت بیندیشید و راهکاری پیدا کنید. استخدام یک منشی در فضای مجازی مشکل این مملکت نیست.

پیشنهاد می‌کنم آقای کار، سری به نیازمندی‌های یکی از روزنامه‌های پرتیراژ بزند و در قسمت منشی خانم ملاحظه می‌فرمایید... آن روزنامه پرتیراژ چند نفر مخاطب دارد و آگهی خصوصی فضای مجازی من چند نفر؟ آقای کار، معلوم نیست مسئولیت خرد و کلان را می‌دانید چیست یا نه؟ می‌خواهید بنویسم یک نفر دوجنسیتی (Hermaphrodit) که نه زن است و نه مرد می‌خواهم استخدام کنم؟ آن‌وقت آقای کار شب‌ها راحت می‌خواید که مشکل حل شده و حق‌وحقوق کار و استخدام را حل کرده؟ واقعا چقدر متأسف شدم که آقای کار در جزئیات کم‌اهمیت که اثری هم ندارد کم شده و مسائل بسیار مهم و حیاتی را فقط دارد تماشا می‌کند.

شش‌درجه

هشتگ، شکلک و روزنامه‌نگاری در تلگرام

حسین کرمانی*

شکلک نیز مانند عکس، کارکردهای مختلفی دارد. نتایج تحقیق نشان داد که در ۶۲۰ پست پربازدید، ۱۰۹۲ شکلک استفاده شده (به‌طور میانگین ۱۰۷۶ شکلک در هر پست) است. کارکرد شکلک نیز عبارت است از: تمایزبخش، تأکیدکننده، ترغیب‌کننده، آیکونیک، تزئین‌کننده، جایگزین و ارتباطی. این تحقیق نشان داد که نوع شکلک‌های مورد استفاده با محتوای پست و نوع کانال ارتباط زیادی دارد. همچنین شکلک‌های تمایزبخش در پست‌های خبری کاربرد زیادی دارند. درواقع، این شکلک‌ها کارکرد Bullet در روزنامه‌نگاری را بر عهده دارند. این شکلک‌ها در کنار شکلک‌های تأکیدی، نقش عنصر سستنی در خبرنویسی مانند سوئیتزر، میان‌تیتزر و... را نیز بر عهده گرفته‌اند. شکلک‌ها در کنار هشتگ این نقش‌ها را ایفا می‌کنند. هشتگ نیز انواع مختلفی دارد که عمده‌ترین آنها معرف و

تأکیدی هستند. همچنین هشتک‌های زیادی نیز هستند که بدون هیچ هدفی استفاده می‌شوند. هشتگ برای دسته‌بندی پست‌ها در طبقات مختلف نیز استفاده می‌شود و به این ترتیب

حتی می‌تواند نقشی مانند بخش‌بندی روزنامه یا مجله برای آن قائل شد.

علاوه بر این، خبرهای تلگرام دیگر تیتزر ندارند. آنها همچنین اغلب از یک یا دو جمله که به‌صورت نقل قول بیان شده تشکیل شده‌اند و دیگر شرح و بسطی بر آنها نوشته نمی‌شود. در اینجا ممکن است لینکی که خبر اصلی در خبرگزاری یا سایت مرجع داده شود، البته اغلب خبرگزاری‌ها این کار را انجام می‌دهند اما کانال‌هایی که شکل‌گیری آنها ذاتا با تلگرام بوده، چنین کاری نمی‌کنند حتی اگر بعدا سایت نیز تأسیس کرده باشند.

نقش عناصر سنتی خبرنویسی، مانند تیتزر، سوئیتزر، میان‌تیتزر و حتی کارکردهایی که سبک‌های مختلف خبرنویسی مانند هرم وارونه بر عهده داشتند، حالا از طریق شکلک، هشتگ، لینک و حتی یوزرنیم ایفا می‌شود. بنابراین می‌توان گفت که همه‌جایی‌شدن تلگرام، باعث شکل‌گیری سبک جدید از خبرنویسی در ایران شده که با استانداردهای سنتی بسیار متفاوت است و شناسایی دقیق چارچوب‌های آن که می‌تواند بعدا به هنجارهایی برای روزنامه‌ها و نشریات تبدیل شود، به تحقیقات بیشتری نیاز دارد.

«دانشجوی دکتری علوم ارتباطات اجتماعی دانشگاه تهران

پیشنهاد

پنجمین کنفرانس بین‌المللی روباتیک و مکترونیک ایران

به نشانی تهران، خیابان حافظ، چهارراه کالج برگزار می‌کند، حوزه‌های کامپیوتر و IT را تحت پوشش قرار می‌دهد. روبات‌های پرنده و زیرآبی، روبات‌های بیولوژیکی، روباتیک شناختی، روبات‌های احتمالاتی، روبات‌های تغییرشکل‌پذیر، روبات‌های انسان‌نما، روبات‌های میکرو و نانو، سیستم‌های کنترل، شناسایی و مدل‌سازی، مکترونیک نوری، سیستم‌های مکترونیکی و روباتیک در پزشکی و توانبخشی از جمله محورهای این همایش هستند.



دوست داشته باشیم یا نداشته باشیم، دنیای آینده را روبات‌ها اداره خواهند کرد یا لااقل در اغلب اموروش نقشی حیاتی خواهند داشت.

به‌همین‌دلیل بد نیست اگر در روزهای آینده سری به دانشگاه امیرکبیر تهران (پلی‌تکنیک سابق) بزنیم که قرار است پنجمین کنفرانس بین‌المللی روباتیک و مکترونیک ایران در آن برگزار شود. این کنفرانس بین‌المللی که انجمن روباتیک ایران در روزهای سوم تا پنجم آبان ۱۳۹۶ در دانشگاه امیرکبیر